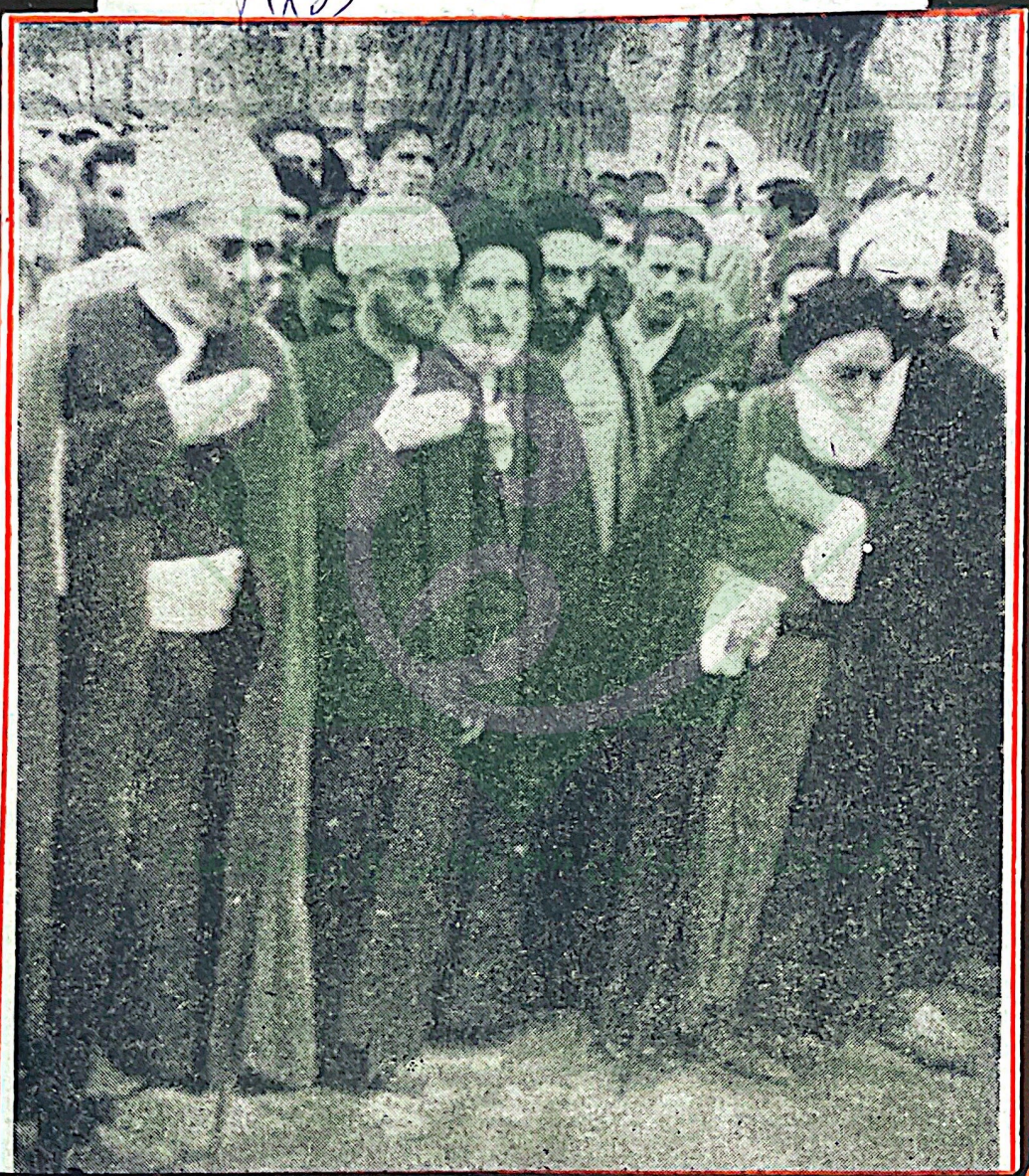
آیین اسلام

جمعه ۲۰ آذر ۱۳۲۶ | شماره ۳۰ | برابر ۲۸ محرم ۱۳۶۷

(۱۸۵)



سال چهارم

مسلسل

آئین اسلام

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
نصرت‌الله نوریانی
نشانی: تهران - سرپل امیربهادر
تلفن ۸۹۱۹

بهای اشتراک
در کشور: سالیانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان و کارگران
۱۵۰ ریال
در خارج: سالیانه ۳۰۰ ریال

یک شماره پنج ریال

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الإِسْلَامُ

بهای اشتراک قبلاً دریافت میشود

((تقسیم فلسطین بر خلاف حق و عدالت میباشد))

مسئله فلسطین و تصویب تقسیم آن بدو منطقهٔ عرب و یهود در سازمان ملل متحد انقلاب بزرگی در خاورمیانه ایجاد نموده است و پس از انتشار خبر تصویب مزبور درهمه کشور های عرب تظاهراتی برضد دولتهای امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و سایر دولیکه نمایندگان آنها رأی موافقت داده اند رخ داده و هنوزهم ادامه دارد

این مسئله از دو جنبه باید مورد بحث قرار گرفته و در پیرامون هر یك گفتگو شود تا بنتیجهٔ قطعی برسد یکی از جنبه سیاسی و دیگر از جنبه دینی و مذهبی. وما از هر جنبه که مطالعه می کنیم این تصویب سازمان متحد را یك تصویب غیرعادلانه مشاهده مینمائیم زیرا اگر از جنبه سیاسی وارد بحث شویم برما روشن می شود که تصویب تقسیم فلسطین بدو منطقه عرب و یهود برخلاف حق وحقیقت می باشد بدلیل اینکه هر ملت یا دولتی که از راه زور وجبر یا تهدید وتطمیع بخواهد بر ملت دیگری بدون میل و رغبت اکثریت آن عملی را تحمیل و اجرا نماید بمناسبت اینکه با اصول دمکراسی مخالف می باشد ظالم و ستمگر محسوب خواهد شد و روح آزادی و دمکراسی از اینگونه اعمال بیزار است پس بنا براین هیچ ملت و دولتی حق ندارد درسرنوشت ملت دیگر بدون احراز میل و رغبت اکثریت آن ملت نفیاً و اثباتاً مداخله نماید. اگر نمایندگان ملل بزرك دنیا که در تقسیم فلسطین رأی موافقت داده اند اصولا آزادی را مراعات می نمودند لازم بود نخست با کثریت آراء سکنهٔ فلسطین مراجعه می نمودند سپس رای می دادند و چون بچنان امری اقدام ننموده ومنافع و مضرات وسیاسی خصوصی خود را در این موضوع مرعی داشته اند لذا اقدامی برخلاف حق وحقیقت نموده ویك عمل غیرعادلانه ای را انجام داده اند چه اکثریت فلسطین با اعراب است واحدی از اعراب با یك چنین تقسیم ظالمانه ای راضی نبوده و نیستند چنانکه مخالفت علنی و تظاهرات لاینقطع آنان بهترین دلیلی بر گفته مامی باشد.

اما از لحاظ مذهبی که مطالعه میکنیم بازمی بینیم که تصویب سازمان ملل بر خلاف عدالت صورت گرفته ورای نمایندگان دول موافق دراین موضوع جز بی عدالتی نبوده ونمی باشد زیرا زمین فلسطین ازدوازده قرن پیش از اسلام درتصرف اعراب بوده وپس از استیلای اسلام نیز تاامروز در دست آنان میباشد - پس سازمان ملل باهمه آن برنامه های مشعشع ! و آئین های مفصل خود یك چنین حقی را نداشته که زمین متصرفی یك ملتی را بدون مجوز قانونی از دست او گرفته وبملت دیگر واگذار نماید.

سازمان ملل که برای تأمین صلح جهانی تأسیس شده است نمی تواند هیچگونه عملی را که برخلاف عقاید مذهبی

بقیه در صفحه ۱۹

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن

انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۱۷)

یکی از اسماء قرآن تنزیل است بهمین علت که مطالب وحقایق عالم راتنزل داده فراموش فهم بشر ساخته . پیغمبران ترجمان نسخه واحد طبیعت میباشند وافراد هم باید باهدایت وراهنمائی ایشان که ازجانب یزدان یکتا برای این کار برانگیخته شده اند راه نجات را بیابند وپس از هبوط از بهشت فطرت و گرفتاری دردام جنك وشهوت دوباره وسایل رسیدن بهدف عالی معنوی را فراهم سازند .

پیغمبران میآیند تابشر بینوارا بخدا نزدیك کنندو بیرون شدگان ازبهشت را ازسرگردانی وبلاتکلیفی درتاریکی حیرت نجات دهند . میآیند تاحقایق عالم وجودرا ترجمه کنند وبمردم بگویند . این دسته از افراد که هدایت پروردگار را پذیرفتند یعنی آنچه را که آدم ازنسخه عالم بتنهائی خواند بکمك انبیاء و رسل خواندند ترس واضطرابی ندارند وهراسان و لرزان نیستند .

اگر دوران عمر فردی ازاین طبقه را از نظر بگذرانید سراسر عمراورا خداپرستی ، خدمت بخلق وبالاخره انجام وظیفه می بینید . ونقطهٔ تاریك درزندگی او پیدا نمیکنید اگر هم پیدا شود بسیار کم است . این شخص هدایت یافته حیران و مضطرب نیست واندوهگین نمیشود اگرهم مصیبتی برای او پیش آید دیری نیاید که دلخوشیهای دیگری جای آنرا فراگیرد و اثر آن غم وغصه را بزداید . بعلاوه چون اوهمه چیزحتی بلایارا مصلحت میداند ازهیچ مصیبتی غمگین نمیشود .

والذین کفروا و کذبوابآیاتنا اولئك اصحاب النارهم فیها خالدون .

و آنانکه عقل و فطرت خودرا پوشیدند (تاهدایت مارا نیابند) وآیات مارا تکذیب کردند اصحاب آتشند ودرآن باقی خواهند ماند .

درمقابل دستهٔ هدایت یافته دستهٔ دیگری قرار گرفته اند که عقل و وجدان خودرا مخفی وپنهان نمودند تاهدایت خدارا درك نکنند ودرنتیجه حس مسئولیت آزارشان نرساند و از انجام مقاصد نابجایشان منع نکند .

چرابی دینان باتمام قوا میکوشند که دین ترقی نکند و دینداری رواج نگیرد .؟

وچرا باتمام روحانیون دشمنند وحاضر نیستند لااقل دین را مانند یکی ازمسلکها تلقی کنند ؟

ازدین متنفرند وبادینداران دشمن زیرانمیخواهند کسی آنانرا بمسئولیت درمقابل وجدان تذکر دهد .

اگر بگوئید ماده پرست بدش میآید واگر بگوئید بیشرافت سخت غضبناك میشود ولی بادلیل بی پا وبی اساس خود مادهٔ بیشعوررا منشاء دنیای پرشعور معرفی میکند وقلم سرخ برسرشرافت وشرافتمندان میکشد ومعتقد است که باید باتمام قوا درراه تحصیل مقاصد پستش بکوشد .

اینان که خودرا ازدرك وفهم هدایت خدا محروم میکنند دائما درآتشند وپیوسته میسوزند .

خواهید گفت درچه آتشی هستند وچگونه میسوزند ، مثالی بزنیم :

کسی که هدفی جزاندوختن مال ندارد و مال را جزو خود میپندارد وجان خودرا برسراین کار میگذارد ، ازسوار شدن براتومبیل خود بادمیکند وازدیدن کاخ خود درپوست خود نمیگنجد خلاصه اشیاء خارجی را جزو خویش میداند و چون بقا وپایداری این اشیاء تضمین نشده ومعلوم نیست که همیشه صاحب ثروت باشد دائمامیترسد مبادافقیرشود وثروتش بباد فنارود وچون ثروت را جزو خویش میداند همانطور که بابدست آوردن آن خیال میکرد برخود افزوده است درموقع ازدست دادن هم ازجان خود میکاهد . یا درآرزوی مال بسر میبرد یادرآتش فراقش میسوزد !

اودیوانهٔ ثروت است وتاآخرین دقیقه عمرخود درحساب پول است . اگرغفلتا هم متوجه عمر بر باد رفته خود شود جز تاسف وتاثر ، حسرت وندامت یارورفیق دیگری ندارد وجز غم واندوه همدم ومصاحبی نمی بیند .

یابنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم واوفوا بعهدی اوف بعهدکم وایای فارهبون .

ای پسران اسرائیل نعمت مخصوصی راکه بشما انعام نمودم بیاد آورید وبعهد من وفاکنید تامنهم بعهدشما وفاکنم وتنها ازمن هراسناك باشید .

قوم یهودقدیمی ترین ملتی است که خدا پرست شد وصاحب قواعد وقوانین سیاسی واجتماعی وانبیاء وعلماء گردید . در شرق وغرب ودرمیان مشرکین وبت پرستان تنها آنها بودند که بتوحید ومبدء ومعاد ایمان آوردند .

قبل از ظهور پیغمبراسلام درزمان سیف بن ذی یزن عدهٔ زیادی ازیهودیانی که دریمن وحضرموت مسکن گزیده بودند بسوی مدینه که در آنزمان یثرب نامیده میشد رهسپار شدند علت این تغییر مسکن وماوی را مورخین نزدیك شدن ظهور پیغمبری میدانند که کتابهایشان پیش بینی کرده و بشارتهائی داده بود وتنها این یهودیان نبودند که متوجه یثرب شدند بلکه دستجات دیگری هم چون نشانه های ظهوررامشاهده نمودند ازجاهای دیگر متوجه جزیرة العرب شدند وبرای رستن ازتعدی پادشاهان ودولتها بجزیرة العرب کوچ کردند تا پیغمبر موعود ظهور کرده باو بگروند .

این یهودیان تازه وارد در امور سیاسی واجتماعی و اقتصادی بابومیان پیوسته درکشمکش بودند وچون شکست میخوردند این جمله را بیان میکردند : « سیظهر نبی وقد اظل زمانه » یعنی پیغمبری ظهورخواهد کرد وزمان ظهورش نزدیك شده وبه بومیان گوشزد میکردند که چون مااهل کتابیم واورا میشناسیم ونشانه هایش را میدانیم باوایمان آورده شماراخوار وزبون ساخته بیرون میکنیم .

این پیش بینی و وعدهٔ ظهور پیغمبر بگوش مردم یثرب رسیده بود وشاید یکی ازعللی که اهالی یثرب بیشتر وزودتر به پیغمبر ایمان آوردند همین پیشگوئی یهودیان باشد

ناتمام

آیین اسلام

جمعه ۲۷ آذر ۱۳۲۶ | شماره ۳۱ | برابر ۵ صفر ۱۳۶۷



چهارم سال

مسلسل ۸۶

آئین اسلام

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
نصرت‌الله نوریانی
نشانی: تهران - سرپل امیربهادر
تلفن ۸۹۱۹

بهای اشتراک
در کشور: سالیانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان و کارگران
۱۵۰ ریال
در خارج: سالیانه ۳۰۰ ریال

یک شماره پنج ریال

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الإِسْلَامُ

بهای اشتراک قبلاً دریافت میشود

((مردم از دولت جدید چه توقعی دارند!))

دولت آقای قوام السلطنه رفت و دولت دیگری برسر کار آمد دولتی با آن همه قدرت و دسته بندی متزلزل شد و دولت دیگری که هنوز معلوم نیست چه میخواهد بکند و چطور می تواند تنها ازعهده توقعات بیمورد موافقین خود بر آید! زمام امور این ملت لخت و گرسنه را بدست گرفت بعبارت دیگر لاشخور سیرشده ای کنار رفت و گرگ گرسنه ای را باسلام و صلواة بپاسبانی لاشه ملت گماردند !! .

آقای قوام السلطنه آنچه که توانست در مدت بیست و دوماه زمامداری ازخون این ملت بنفع اطرافیان خود مکید و آنچه درقدرت داشت برای تضعیف روحیه افراد ملت کوشید ، تعدادی مردمان متملق بی همه چیز را بر مال و جان یک ملت مسلط ساخت و با تمام نیرو بخورد نمودن شخصیت های بارز و لجن مالی مردمان صالح پرداخت و یک ملت بیحس و یک مجلس متشنج عاری ازحقیقتی از خود بیادگار گذاشت. آری قوام السلطنه مغرور ومستبد رفت ولی یک اوضاع ناهنجار و یک محیط خطرناکی چه از حیث سیاست خارجی و چه داخلی باقی گذارد

امروز دزدی ، رشوه ، ارتشاء و بدبختی و بیچارگی فلاکت ، هرج ومرج اقتصادی ، آشفتگی سیاسی محیط ما را کاملا فرا گرفته است .

امروز انتظار مردم از دولت جدید اصلاحات اساسی است اصلاحاتی که بتواند خرابیهای دولت میشوم سابق را ترمیم نماید ـ امروز مردم متوقعند که دولت جدید جلو دزدی ها را بگیرد رشوه و ارتشاء را از دوایر دولتی و مراکزی که برای مردم مرجعیت دارند نابود سازد ـ بهرج ومرج اقتصادی خاتمه دهد آشفتگی های سیاسی را در محیط سیاست موازنه مرتفع سازد .

بدرد های مردم درمان گذارد . برای بیکاران کار تهیه نماید. هزینه زندگی را پائین آورد . فحشا و منکر را که سر تا سر کشور را فرا گرفته است بوسیله مجازاتهای شرعی از میان بر دارد به نقاط دورازشهرها که برزگران ودهقانان و رنجبران ملت در آن نقاط زندگی میکنند بذل توجه نموده و به بهداشت وفرهنگ آنان اهتمام دهد . خلاصه دولت وقت از دولت گذشته درس عبرت گرفته و تنها به وعده های پوچ و نوید های دروغ نپردازد . مردم از شنیدن این گونه مواعید سیر شده اند مردم یک عمل مثبت را از هزار گونه مواعید و نوید بهتر میدانند . اگر کسی خطابه ها و سخنرانیها و بیانیه های آقای قوام السلطنه را جمع نماید یک کتاب ضخیمی را تشکیل میدهد اما اگر اعمال او و کار های اورا مطالعه کند جز یک رشته اعمالی که بنفع عده سرمایه داران یا منتسبین بحزب دمکرات انجام داده که تماما مولد بدبختی جامعه می باشد چیز دیگری دیده نخواهد شد همین حرکات ناشایسته بود که افکار عمومی را برضد او بر انگیخت و بالاخره ازاریکه ریاست سرنگونش نمود پس باید زمامدار کنونی روش غلط قوام السلطنه را معکوس نموده و باصلاحات اساسی بپردازد و ملت بیچاره را از آفت مفاسد فردی و اجتماعی وسیاسی برهاند و بهر زحمت یاقیمتی شده است عاجلا سطح زندگی را بالا برده و سریعا از هزینه مردم بکاهد

این است توقع مردم از زمامدار وقت باید منتظر شد و ناظر اعمال دولت تازه گردید تا به بینیم که این دولت چه میکند و چه اعمالی از خود نشان میدهد.

نوریانی

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن
انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه
(۱۸)

که اگر مردم یثرب بیشتر شنیده بودند ولی اعراب مکه از آن بی‌اطلاع بودند لذا پیغمبر اسلام در حدود ده سال که در مکه بتبلیغ مشغول بود جزء عده معدودی از اهل مکه باو نگرویدند و پیوسته مسلمانانرا شکنجه و آزار میرساندند بطوری که خاندان بنی‌هاشم حتی آنانکه مسلمان نشده بودند مدتی ازحقوق اجتماعی وسیاسی محروم شدند وعده ای هم بحبشه هجرت کردند.

وتنها ملجاء و پناه مسلمانان مکه ابیطالب یعنی شیخ متنفذ قریش وقدرت مالی حضرت خدیجه بود وپس‌از فوت آن دو پیغمبرومسلمین فوق‌العاده بزحمت‌افتادند پیغمبر بطائف هم رفت ولی اعراب طائف هم دعوت اورا نپذیرفتند. فقط موسم حج که نزاع وجدالها بدل بصلح‌میشد وطوایف مختلف عرب ازاطراف بمکه روی میآوردند و همه آزادانه وارد مکه میشدند پیغمبراسلام(ص) دراطراف‌چادرهابگردش‌مشغول شده قرآن میخواند وتبلیغ رسالت و نبوت میفرمود. ولی مشرکین و مخالفین در اینموقع هم آرام ننشسته بمخالفت و آزار آن حضرت برمیخواستند وقبلا بمردم تذکر میدادند جوانی سخنان تازه میگوید وفرزندان را ازپدران وزنانرا از شوهران جدا میکند وباعث تفرقه ونفاق میشود سخنان او راگوش مدهید که شمارا مسحور میکند و دنبال پیغمبر راه افتاده درموقع تلاوت قرآن مجید هو میکردند وداد و فریاد راه میانداختند و منظورشان آن بود که قرآن بگوش مردم نخورد تاقدرت بلاغت درآنان تاثیر نکند.

اعراب مدینه چون ظهور پیغمبری را ازیهودیان شنیده بودند برای اینکه یهودیان زودتر بدو نگروند پیشدستی کردند تابرآنان تفوق وبرتری یابند و بعلاوه قدرت بلاغت چنان آنانرا مجذوب ساخت که بدون چون وچرا دین اسلام را پذیرفتند.

بطوریکه دراولین سال سه ساله قبل ازهجرت شش نفر وسال بعد دوازده نفر وسال آخر در حدود هفتاد و سه نفر که سه نفر ازآنان زن بودند به پیغمبر اسلام(ص) ایمان آوردند وشبانه دریکی از کوههای اطراف مکه مرامنامه اسلام را که عبارت بود ازایمان بخدا وروز جزا وشاهد وناظر دانستن خدا وحرمت زنا وسایر احکام پذیرفتند وپیغمبر مصعب بن‌عمر را باآنان روانه ساخت. مصعب روزها در مدینه سرچاهی که ازآن آب میبردند می‌نشست‌ومشغول تلاوت قرآن مجیدمیشد عربها ازشنیدن قرآن که باآن مانوس نبودند واز فصاحت و بلاغتش حیران میشدند ویکدیگررا خبر میکردند یکسال نگذشته بود که عموم خانواده‌ها مسلمان شده بودند یالا اقل درهرخانواده ای یکی دونفر مسلمان بود.

این زمینه‌ای بود که تبلیغات یهودیان و پیش بینی آنان فراهم ساخت وچون کتاب داشتند و علمای آنانهم در دین راسختر ازنصارا بودند وعده‌ای‌هم برای دریافتن‌صدق‌مطالب قرآن ازآنها استفسار میکردند نفی‌واثباتشان خیلی‌مؤثربوده.

پس اگراسلام یهودیان‌را رام ومطیع میکرد میتوانست آنانرا ازانکار آنچه خود بدان بشارت میدادند باز دارد ودر نتیجه انتشار اسلام خیلی سریعتر میشد بعلاوه چون یهودیان صاحب کتاب بودند وتوحید ومعادرا قبول داشتند توانستنددر مقابل قرآن اظهار وجود کنند و بمخالفت برخیزند.

ازاین مقدمه مختصر معلوم میشود که چون قوم‌یهود کتاب وپیمبرانی داشتند وموقع حساسی‌را دربین ملل مشرك آنزمان احراز نموده بودند پیغمبراسلام (ص) کوشیدتاآنانرا مسلمان کند لذا دراطراف این قوم بحث مفصلی درقرآن‌مجید بمیان آمده.

یهودیان پیغمبری راکه انتظار ظهورش را میکشیدند ملاقات کردند اما تصمیم گرفتند دعوت اورا نپذیرند وبرای این منظور بمخالفت برخاستند.

یابنی اسرائیل اذکروا نعمتی‌التی انعمت علیکم.

ملل مغرب چندیست که سبك تاریخ نویسی را عوض کرده اند وبعوض وقایع نگاری متوجه دقت دراسرار وفلسفه تاریخ شده اند وتاریخ را ازنظرفلسفه آن مینویسند اماریشه واصل این فکر ازمسلمین گرفته شده مثل سایر علومی که اروپائیان ازشرقیها ومسلمانان گرفتند آنرا تکمیل نمودند.

ابن خلدون دانشمند عالی مقام اسلامی کتابی نوشه‌ودر مقدمه آن کلیات تاریخ راازقبیل اسرار رموز رشد وسقوط ملل واقوام مورد دقت قرار داده. اروپائیان هم این سبك تاریخ نویسی رااز اوآموختند ولی قرآن مجید قبل از اروپائیان‌وابن خلدون بدین موضوع نظرداشته لذاتمام‌قضایای تاریخی رااز جنبه فلسفه‌آن یعنی علل ترقی وصعود یاانقراض واضمحلال اقوام‌وملل بیان کرده‌وآنانکه مدعیند که‌قرآن‌قسمتی ازمطالب تاریخ رااز توراة وانجیل گرفته اشتباه بزرگی کرده‌اندزیراکه قرآن علاوه براسلوب‌وسبك مخصوص‌مطالب وموضوعاتی را تذکر داده که‌در توراة وانجیل اثری هم‌از آنهادیده‌نمیشود که‌این‌موقع خود بیان خواهد شد.

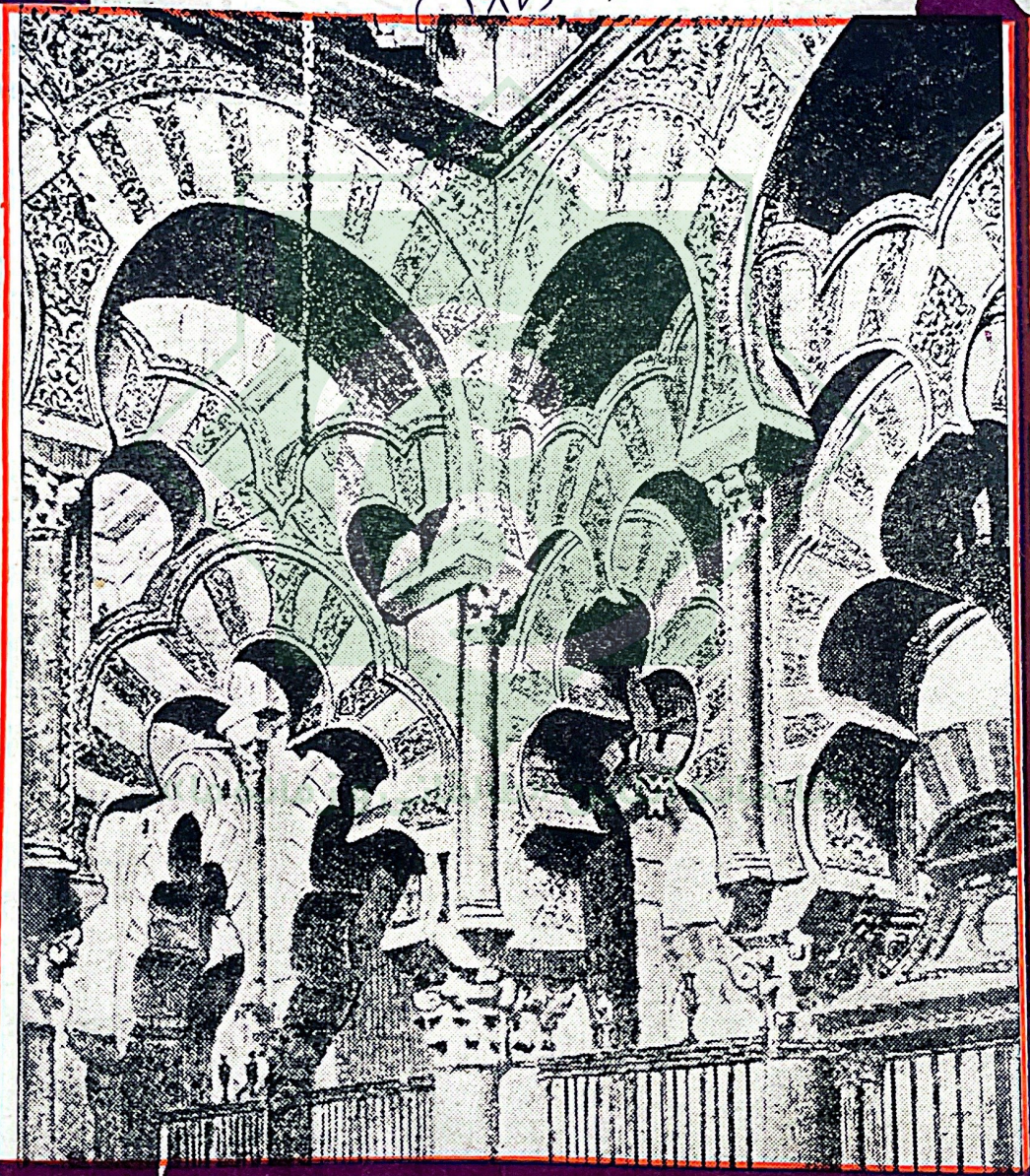
عنوان بنی‌اسرائیل بجای قوم یهود برای رعایت و در نظر داشتن همان فلسفه تاریخ است یکی ازعلل رشد و ترقی یك قوم وظایفه توجه بعظمت ومجد وشرف وسیادت وعزت دیرین وشناختن پدران و اجداد توانا و غیور خود میباشد. هرملتی ازمشاهده سابقه درخشان تاریخی خود تکان میخورد وروح شجاعتش زنده شده برای احراز یاحراست آن تلاش کرده میکوشند. ذکر احوال پدران شجاع و دلیر پسرانرا غیور ومبارز وذکر احوال اجدادعالم ودانشمند فرزندانرا راغب بتحصیل علم ودانش کرده عالم ودانا بار میآورد زیرا افراد رابرای ملیت ونژاد احساساتی است که اگررگ‌حساس آنرا بدست آورده تحریك کنند روح سیادت و برتری زنده میشود وذکر احوال پدران ویادآوری مجد وشرف آنان یکی‌ازطریق تحریك احساسات است.

ناتمام

آیین اسلام

جمعه ۴ دی ۱۳۲۶ | شماره ۳۱ | برابر ۵ صفر ۱۳۶۷

(۱۸۷)



سال چهارم

مسلسل

آئین اسلام

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
نصرت‌الله نوربانی
نشانی: تهران - سرپل امیربهادر
تلفن ۸۹۱۹

بهای اشتراک
در کشور: سالیانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان و کارگران
۱۵۰ ریال
در خارج: سالیانه ۳۰۰ ریال

قیمت شماره پنج ریال

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الإِسْلَامُ

بهای اشتراک قبلاً دریافت میشود

با این رویه میخواهند دیکتاتور بوجود آورند!

وخامت اوضاع روز مورد بحث جراید و مردم میباشد همه از غیر عادی بودن اوضاع و عدم رضایت مردم گفتگو مینمایند و هر کس گناه و مسئولیت بوجود آمدن چنین اوضاع ناگوار را از خود سلب و بگردن شخص یا دسته بخصوصی میاندازد - درصورتیکه تمام افراد ملت در پیدایش اوضاع کنونی سهیم بوده و سرچشمه این همه بدبختی و نا رضایتی و اینهمه رواج رذایل و شیوع فساد اخلاق جز بی ایمانی و بیعلاقه گی باجرای دستورات دینی و احکام الهی نیست.

امروز توازن امور زندگانی و طبقاتی ما بکلی از میزان خارج و از اندازه بیرون گردیده و تعادل و تناسب شئون اجتماعی استانهای کشور هم بکلی ضایع و در هم و برهم گردیده است.

امروز از فضیلت و تقوی مانند سیمرغ و عنقا فقط نامی باقیمانده است.

امروز حس اعتماد و اطمینان از بین رفته و بدبینی و سوء ظن بمنتهی درجه شدت خود رسیده است.

امروز دزدی و ارتشاء و بیعفتی و بی ناموسی بحد شیاع رسیده و این اعمال قبیحه بصورت کرداری ممدوح در آمده است.

امروز وقاحت مقام لیاقت را احراز نموده و آنکه وقیحتر می‌باشد شاغل مقامی رفیعتر میگردد.

در این کشور دزدی و خیانت و لئامت، بیحسی و بیشرمی، بی ناموسی، وسایل و اسباب پیشرفت گردیده و آنکه فاقد این صفات و عاری از این سلاحهای برنده! عصری است در این اجتماع محکوم بکناره گیری و فنا می باشد.

یك نگاه به مقدس ترین مکانها و شریفترین مردمان این کشور یعنی مجلس شورای ملی و نمایندگان این ملت کافی است که با شاهد زنده ای از بی‌حسی و بی رشدی این ملت روبرو شویم.

با آنکه معتقدیم استقلال ما در تقویت مرکز و سعادت ما درقدرت و احترام مجلس شورایملی میباشد با اینحال ناگزیر باظهار چنین تعریف و ابراز چنان حقیقت تلخی شدیم. زیرا برخی از آنانکه این جایگاه رفیع و مقام ارجمند را باوجود منحوس خود ملوث نموده‌اند و با آن روش ناشایسته ای که اتخاذ نموده‌اند و متأسفانه همه روزه هم برشدت وحدت آن اصرار میورزند دیگر حیثیتی برای جاه و مقام خویش باقی نگذارده اند

گویا این عزیزان بیجهت قصددارند آبروی و حیثیت مجلس و نماینده ملت را باتظاهرات بیخردانه که هرروزه بنوعی جلوه گری مینماید بریزند و باخوش رقصی‌های شترمآبانه خود برحس تنفروانزجار عمومی بیافزایند و آتش بلوا و

بقیه در صفحه ۱۹

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۱۹)

لذا آنانکه جمعیت خاطر و نفع خودرا در پراکندگی وسستی ما می بینند همواره میکوشند تامارا ازتاریخ واحوال پدران خداپرست دانشمند ووضع زندگی وخدمات اجدادشجاع وغیور میهن دوست خود بی‌خبر گذارند. چه بدبختی ازاین بالاتر که مادانشمندان خودرا نشناسیم باآن دانشمندانی که دنیامارا بوسیله آنان میشناسد؛ وازشرح حال وطرززندگی وبالاخره معلومات وابتکارات آنان بیخبر باشیم درصورتی که پایه علوم جدید بر کتب آنان استوار است. چه بیچارگی و غفلت برتر ازاین که سابقه درخشان تاریخی اسلامی و قبل از آنرا ازنظر دور داریم تابفکر تجدید آن مقام شامخ بیفتیم وازخواب خرگوشی بیدار نگردیم اما فلان ستاره سینما فلان رمان نویس وفلان رقاصه‌را خوب بشناسیم وازجزئیات زندگی آنان مطلع باشیم این چه تارهای‌ذلت وزبونی‌است که برگرد خود می‌تنیم؟! تنها افراد عامی وبیسواد ما که درتاریکی ظلم وجهل بسرمیبرند بدین بلیه گرفتارنیستند بلکه‌جوانان تحصیل کرده وافرادی که خودرا روشن فکرمینامند وآنانکه خود را مصلح قلمداد میکنند دراین لجنزار غفلت و زبونی فرو رفته اند اینان کورند که‌راعصاکش شوند؛ درمدارس و کتب کلاسی مادرمقابل هزاران صفحه تاریخ وجغرافیای ملل‌مغرب چیزی قابل ملاحظه ازتاریخ اسلام ایران دیده نمیشود بقدری مجد وشوکت دیگرانرا برخ‌ما کشیده وتاریخ ایران‌مخصوصا اسلام را ازنظرما دور داشته‌اند وبقدری قدرت وعظمت آنان را درمغزما پرورانده وافتخارات‌مارا ازسرمان‌بیرون کرده‌اند که ما خودرا هیچ میدانیم وپستر وبی‌مقدارتر ازهمه تصور میکنیم. بقدری دل‌مارا خالی کرده‌اند که قدرت تصورتجدید مجد وشوکت‌دیرین خودرا نداریم. مگرعزت دربین‌مامنسوخ شده یامعنی‌آنرا فراموش کرده‌ایم؛ وما تخصص وابتکار را درتمام علوم وشئون ازدست داده‌ایم وآنچه از باقیمانده واز مختصات ما می‌باشد علوم الهی واصول احکام وفقه است اگر این‌را هم ازدست‌بدهیم درست فقیروبیچاره ونادان‌وسرگردان می‌شویم.

بنگرید وبه بینیدقرآن چه رك حساسی‌را تحریك کرده وبچه طریقه وراهی‌خواسته است قوم یهودرا زنده کند.

میفرماید ای فرزندان اسرائیل یعنی بیاد مرد بزرگی که هنوز اسم اوباقی است وبیاد آن شیخ جلیلی که باعث برکت نسل شما شد بیفتید ونعمتهای خاص مراکه سیادت و برتری شما باعده کم برجهانیان بود ازنظر بگذرانید. شما کسانی بودید که بایاری مافرعون مصررا مقهور نمودید، شما داود وسلیمان وموسی داشتید شما در سراسر دنیای تاریك و ظلمانی شرك وبت‌پرستی تنها قوم خداپرست وموحد بودید، شما تنها ملتی بودید که درکوههای فلسطین زمزمه راز و نیازتان باخدا طنین انداز بودآن نعمتهارا بیادآورید وببینید منشاء آن ازکجا وسرآن برتری وعظمت چه بود.

همانطور که قوانین ونوامیس‌عالم هریك حساب‌روشن ومعینی دارند اوضاع واحوال اجتماعی بشروترقی وانحطاط آنهم مثل قوانین ریاضی قوانین وحساب دارد.

ای فرزندان یعقوب قدرت دیرین خودرا بیاد آورید و اسرار ورموز آنرا بیابید ببینید دراثر چه نیرومند ومقتدر شدید وبچه علت آن عظمت را ازدست دادید راستی چه زیبا گفته وچقدر جامع وشیواتقریرکرده زیرا تمام پرده‌ها و نمایشهای تاریخی بنی‌اسرائیل را باجمله ای بیان ساخته واقعا جای حیرت وعبرت است.

«واوفوا بعهدی‌اوف بعهدکم» بعهدمن وفاکنید تامنهم بعهدشما وفاکنم.

هرقوم وملتی باخدا عهدهائی دارند واگر بتاریخ خود مراجعه نمایند بآن‌عهدها پی‌میبرند این عهدهارا همان علل ترقی‌وموجبات‌تنزل آنهاست.

هرجامعه وملتی مثل یك فرد که پس‌از سیلی‌خوردن از طبیعت باشتباهات و لغزشهای خود پی‌میبرد پس‌ازآنکه‌ذلیل وبیچاره شد ازخواب غفلت بیدار میشود.

شما ای پسران یعقوب تاآنزمان که قوانین توراة را اجرا میکردید عزت وسیادت داشتید اما ازآنگاه که دین را وسیله جنك وستیز و تکفیر یکدیگر قرار دادید قوس نزولی را پیش گرفتید ونفوذ ملل همجوار استقلال و آزادیتان‌را بر باد داده هفتادهزار نفرتان مدت هفتاد سال درقید اسارت بسر بردند دقت کنید وببینید علل رهائی‌ازچنگال فراعنه واسارت بدست بابلیها چه‌بود همینها ومانندآنها عهدهای خداست اگر بعهدهای‌خدا وفاکنید یعنی ازذلت‌خود عبرت بگیرید واکنون علل ترقی‌ورشد خودرا فراهم کنید منهم بعهد خود وفا نموده شمارا قوی ونیرومند خواهم کرد.

ای پسران اسرائیل‌وای کسانیکه درانتظارظهورپیغمبر اسلام بسرمیبرید تاازچنگال عفریت تعدی و پراکندگی‌نجات یابید وشادمانیها می‌نمودید که یك دین ویکعده موحد بشما ملحق خواهند شد چرا بموحدین مسلمان نپیوستید؛ وچرا علل ترقی ورشد خودرا فراهم نکردید؛ چرا بعهد های خدا وفا نکردید تا خداهم بعهدهای شما وفاکند و شما را یاری نموده نصرت دهد؛

عده ای ازمفسرین این‌عهدرا بعثت پیغمبراسلام‌دانسته‌اند وبعضی‌هم گفته‌اند مراد عهد وپیمانی‌است که حضرت‌موسی(ع) درباره عمل کردن‌بدستورات توراة ازبنی‌اسرائیل گرفت.

اگرچه هردوصادق است ولی‌این عهد وپیمانی‌خصوصی وتنها دراین مورد نیست این عهد وپیمان عمومی‌است و برای هرفرد وملتی پیش میآید واین پیش‌آمدها و این سنگهای حوادث عهدهای خداست.

دست خدا وعهدهای اودائما دردستگیری‌آدمی‌مشاهده میشود منتهی‌باید خواست تادیده شود.

خلاصه آنکه عهدهای خدا باملل‌همان رسیدگی‌باوضاع عمومی واجتماعی است.

ناتمام